



جزئیات و نحوه اعتراض ثالث اجرایی در دعوی کیفری

در دعوی کیفری محکوم‌له برای وصول دیه خود اموالی را به عنوان اموال محکوم علیه، بازداشت کرده است. در چنین شرایطی اگر شخص ثالثی مدعی مالکیت این اموال باشد، چه اقدام حقوقی باید انجام دهد؟

در دعوی کیفری محکوم له برای وصول دیه خود اموالی را به عنوان اموال محکوم علیه، بازداشت کرده است. در چنین شرایطی اگر شخص ثالثی مدعی مالکیت این اموال باشد، چه اقدام حقوقی باید انجام دهد؟

به گزارش «تابناک» احکام کیفری به دو شیوه اجرا می شود؛ اجرای احکام صرفاً کیفری و اجرای احکام کیفری یا قرار های صادره که دارای جنبه های حقوقی است.

اجرای احکام صرفاً کیفری

منظور از اجرای احکام صرفاً کیفری این است که حکم هیچ جنبه حقوقی مانند مصادره اموال، وصول دیه و.. ندارد و مراد احکامی همچون زندان، شلاق و.. است.

با تصویب قانون آیین دادرسی کیفری در سال ۱۳۹۲ و مطابق ماده ۴۹۵ این قانون، آرای کیفری به دستور و تحت نظارت قاضی اجرای احکام اجرا می شود. طبق این ماده «آرای کیفری به دستور و تحت نظارت قاضی اجرای احکام کیفری اجرا می شود و در مواردی که طبق قانون، اجرای رأی باید توسط وزارتخانه و مؤسسات و شرکت های دولتی و نهاد های عمومی غیردولتی و سازمان ها و نهاد هایی که شمول قانون بر آنان مستلزم ذکر یا تصریح نام است به عمل آید، قاضی اجرای احکام کیفری، ضمن صدور دستور اجرا و ارایه تعلیمات لازم، بر چگونگی اجرا و اقدامات آن ها نظارت دارد.»

همچنین بر اساس ماده ۴۹۷ قانون آیین دادرسی مدنی «رفع ابهام و اجمال از رأی با دادگاه صادرکننده رأی قطعی است، اما رفع اشکالات مربوط به اجرای رأی با رعایت موازین شرعی و قانونی، با قاضی اجرای احکام کیفری است که رأی زیر نظر او اجرا می شود.»

به گفته وی، شاید در بدو امر با استناد همین مواد مرجع اعتراض ثالث اجرایی را دادگاه اجرای احکام کیفری قلمداد کنیم، اما این یک تصور خام است که البته در ذیل، دلایل آن را توضیح خواهیم داد.

اجرای احکام کیفری یا قرار های صادره که دارای جنبه های حقوقی است

منظور از اجرای احکام کیفری یا قرار های صادره که دارای جنبه های حقوقی است، قرار های تأمین خواسته صادره از سوی دادستان با بازپرس (ماده ۱۰۷ قانون آیین دادرسی کیفری) و همچنین احکام کیفری در مورد ضبط و مصادره اموال، اخذ وجه الکفاله یا وثیقه و نیز جزای نقدی، وصول دیه، رد مال یا ضرر و زیان ناشی از جرم است.

در خصوص قرار تأمین خواسته و نیز با توجه به مقررات ماده ۵۳۷ قانون آیین دادرسی کیفری، احکام مربوط به ضبط و مصادره اموال، اخذ وجه الکفاله یا وثیقه و نیز جزای نقدی، وصول دیه، رد مال یا ضرر و زیان ناشی از جرم، بر عهده معاونت اجرای احکام کیفری است و طبق تبصره آن، چنانچه اجرای دستور یا رای، مستلزم توقیف یا فروش اموال باشد، انجام عملیات مذکور مطابق مقررات اجرای احکام مدنی است.

همچنین موافق ماده ۱۱۱ قانون آیین دادرسی کیفری، «دادگاه حقوقی به اعتراض اشخاص ثالث نسبت به توقیف اموال ناشی از اجرای قرار تأمین خواسته، مطابق مقررات اجرای احکام مدنی رسیدگی می کند.»

بر این پایه تردیدی وجود ندارد که قاضی اجرای احکام کیفری، صلاحیت رسیدگی به درخواست معترض ثالث را ندارد، اما مرجع صالح کدام است؟

بر اساس ماده ۱۴۶ قانون اجرای احکام مدنی، «هر گاه نسبت به مال منقول یا غیرمنقول یا وجه نقد توقیف شده شخص ثالث اظهار حقی کند، اگر ادعای مزبور مستند به حکم قطعی یا سند رسمی باشد که تاریخ آن مقدم بر تاریخ توقیف است، توقیف رفع می شود و در غیر این صورت عملیات اجرایی تعقیب می شود و مدعی حق برای جلوگیری از عملیات

اجرائی و اثبات ادعای خود می تواند به دادگاه شکایت کند.»

در ماده ۱۴۶ قانون اجرای احکام مدنی با دو فرض رو به رو هستیم نخست اینکه اگر ادعای مزبور مستند به حکم قطعی یا سند رسمی باشد، تاریخ آن مقدم بر تاریخ توقیف است. در خصوص اینکه چه نهادی حق بررسی این اسناد و مدارک را دارد در ماده ۱۴۶ قانون اجرای احکام مدنی این امر به اجمال گذاشته شده است؛ بدان سان که اکنون نیز در رویه قضایی بین صلاحیت دادگاه حقوقی صادرکننده و دادگاه اجرا کننده اختلاف نظر وجود دارد.

طبیعی است که در خصوص احکام کیفری نیز این اختلاف وجود داشته باشد. اما به نظر می رسد با وجود حکم قطعی دادگاه یا سند رسمی، تکلیف مالکیت نسبت به مال توقیفی معلوم است بنابراین نیاز به رسیدگی قضایی در دادگاه حقوقی، موضوع ماده ۱۱۱ قانون آیین دادرسی کیفری وجود ندارد بنابراین چه نهادی می تواند نسبت به بررسی اسناد و مدارک اظهار نظر کند؟

گروهی معتقدند در خصوص قرار های تامین خواسته مستفاد از ماده ۱۴۶ قانون اجرای احکام مدنی، مرجع صادرکننده قرار تامین خواسته به اعتراض ثالث رسیدگی می کند یعنی اگر قرار را بازپرس یا دادسرا صادر کرده باشند رسیدگی به اعتراض ثالث هم با همان مرجع است. اما به نظر می رسد با عنایت به اینکه مرجع اجرای قرار تامین یا احکامی که جنبه های حقوقی دارند معاونت اجرای احکام کیفری است (نه دادیار و بازپرس) صلاحیت احراز صحت مندرجات سند یا حکم دادگاه و دستور رفع توقیف نیز با این معاونت است.

در خصوص فرض دوم مبنی بر اینکه ادعای مزبور مستند به حکم قطعی یا سند رسمی نباشد می توان گفت در این خصوص با عنایت به تبصره ماده ۵۳۷ قانون آیین دادرسی کیفری و رای وحدت ملاک از ماده ۱۱۱ قانون آیین دادرسی کیفری و تجویز ماده ۱۴۶ قانون اجرای احکام مدنی مبنی بر اینکه «.. مدعی حق برای جلوگیری از عملیات اجرائی و اثبات ادعای خود می تواند به دادگاه شکایت کند.» تردیدی نیست که مرجع صلاحیتدار برای رسیدگی به اعتراض شخص ثالث اجرائی، دادگاه حقوقی است.